

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
ساحب امتیاز روزنامه هفتگی
و یومیة (جل المتین)

(عنوان مراسلات)
طهران خیابان لاله زار
فاب مدیر میرزا سید حسن کاشانی
دبیر اقا شیخ یحیی کاشانی

غیر از روزهای جمعه همه روز
طبع و توزیع میشود

یومیة

کَمَلُ الْمَلِکِینِ

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراک سالیانہ

طهران ۴۰ قران
سایر بلاد داخله ۴۵ قران
روسیه و قفقاز ۱۰ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک

(قیمت یک نسخه)

در طهران یکصد دینار
سایر بلاد ایران سه شاهی است

قیمت اعلان سطر

دو قران است

روزنامه یومیة ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه

با امضا قبول و در انتشارش اداره آزاد است

شنبه ۲۶ ربیع الثانی ۱۳۲۵ هجری قمری و ۱۹ خرداد ماه جلالی ۱۳۲۹ و ۸ ژوئن ۱۹۰۷ میلادی

عریضه باستان اعلیٰ

اعلیٰحضرتنا، تاجدارا، جوان بختا، ملت بناها
در پیشگاه همیوت امری مخفی و در نظر حق بینت
چیزی پوشیده نیست و از همه کس بهتر میدانند که
شوکت سلطنت و قدرت پادشاه و رونق ملک و ترقی
مملکت موقوف باجراء احکام شرعیه و قوانین عادلانه
است و خرابی ملک و ویرانی بلاد و ضعف دولت از
بی مبالاتی باجراء قوانین و سلوک راه استبداد است
لکن این چیز بوظیفه خیر خواهی میخوام
لمحوال و تاریخ یکفر پادشاه عادل قانونی را که حامی
اساس اسلام بوده و هنوز یکقرن از رحلتش بیشتر
نگذشته است با شرح ترقیاتی که مملکتش را در بناه
اجراء احکام الهی حاصل شد بعرض عا کفان سده
سنیه سلطنت برسانم تا مشهود گردد که کانی که حامی
استبداد و بی قانونی هستند فساد نیت و اعمالشان تا
چهرجه رخه باس سلطنت اسلامی میافکنند و در
حقیقت آنها دشمنان خانواده سلطنت و بد خواه شخص
مقدس هستند

و آنچه در اینمقام عرض شود خلاصه تاریخ
سرجان ملک و سایر تواریخ است از خود چیزی اضافه
نکرده و پیرایه بمطلب نچیده ام جز آنکه توجه نظر
پادشاه اسلام را بدین مسأله مسئلت میکند و از جسارت
خود التماس عفو دارد

در زمان طلوع کوب اقبال مرحوم آقا محمدخان
قاجار اوضاع مملکت ماوراءالنهر که تختگاه سلاطین
از یکی بود بواسطه یاره حوادث که شرحش طولانی

و خارج از مقصود است بکلی بریشان و از هر طرف
سرها بداعیه تاج و تخت و نهب و غارت بلند گشته
اختلال اوضاع رفته رفته حکومت از بکرا بنهایت درجه
ضعیف کرد و آثار انحلال در جبین دولت ظاهر
گردید تا اینکه یکی از طباع عجیبه روزگار که در هیچ
عصری از انصار و در هیچ ملکی از ممالک عالم مانندشرا
نشان نداده اند دوباره ملت را اعتبار افزود و
سلطنت را اقتدار بخشود نام این مرد غریب که از
مشاهیر رجال بزرگ عالم است امیر معصوم و لقبش
شاه مراد لکن مشهور به (یکی جان) است پدرش امیر
دنیا ل از امراء معتبر بخارا است چون پدرشرا وقت مردن
فرا رسید یکی جان را وارث خویش قرار داد

یکی جان در اول جوانی کوبند بسق و فجور
مشغول بود لکن بزودی نادم و پشیمان و از دنیا اعراض
و از مردم اعتزال کرد و بتحصیل علوم عصری و قوانین
شریعت پرداخت و در آداب دین مقامی منبع پیدا کرده
تالیفات و تصنیفات در قه نمود و چون پدرش از دنیا
رفت ارث پدر را تره او بردند و عرضه کردند قبول
نمود و گفت پدرم این مال را از شغل و تجارت پیدا
نکرده و زحمت تحصیل انرا تکشیده است این وجوهات
یا پول مالیات است یا مال مجهول المالك بهر جهت باید
تره مباشرین بیت المال بپردازد تا اگر بتوانند بصاحبانش
برسانند من دست بمال ظلمه دراز نخواهم کرد
بدین نیز اکتفا نکرده جامه خشنی چون گدایان بر خود
آراسته و مشیری از کردن آویخت و دور میجلات شهر
بخارا برآمد و تره خاق گریستی و طلب عفو از مظالم
پدرش کردی و بالاخره میگفت اگر از گناه پدرم نمیکند رید

از این شمشیر مرا در عوض کشته انتقام نمائید مردم بر دورش جمع شده آستانش را کعبه مراد شناختند و جملگی از گناهان پدرش درگذشتند جز یک نفر که مدعی شد مبلغی گرامند از او گرفته اند و تا اوالش بدو رد نشود حلال نخواهد کرد سایرین این مبلغ را از مال خود فراهم کرده بدو دادند -- بعد از آن بسجده جامع رفته معاف شد و کتاب عین الحکمه که از کتب نفیسه است تالیف نمود.

در مطاوی این احوال انقلاب در مملکت زیاد و خاق از هرج و مرج بتک آمده خدمتش شتافته استدعاء کردند اورنگ سلطنت را بقدم خود رونق دهد قبول نکرد ولی در اجراء احکام الهی از روی نصیحت و اندرز نه بزور و جبر خاق را ترغیب میکرد چندین هزار شراخانه و قمارخانه را بککش خراب کردند ولی اغتشاش زیاد در مملکت و کشته شدن جمعی کثیر اورا مجبور بر قبول کرد اول حرکتی که کرد متوجه امنیت بلاد شد ربع یکی از بیغیان نیاز علی نام که با تدارک کافی شهر (سبز) را تصرف و داعیه بزرگ داشت و بانشگری جرار بسویش شتافت و یک حمه اش با بود کرد سایر بلاد را نیز منظم کرد سعی موفور در اتفاق کعبه رعیت نمود چنانکه نظیرش را تاریخ نشان نمیدهد -- از آن پس چون عالی مبحر و سالیان دراز در علم احکام زحمت کشیده بود برای اداره عدلیه و مالیه و عسکریه و ترتیب اداء حقوق قشونی و غیره قوانین صحیح وضع نمود و رسم مجلس احتشام که قریب بوضع مجلس شوری وزراء ما بود بکلی موقوف و دستکاه تجملات و خدم وحشم را یکباره متروک ساخت در بار ماوکانه را که اعیان بخارا بدان معتاد بودند منسوخ کرده درجای آن محکمه عدالت برقرار کرد و چون مجلس منفذ میشد خود در صدر نشسته چهل تن از دانایان و فقهاء را بیز جای داده بفیصله مراجعات و قطع تشاجر میپرداخت و معاش این چهل نفر را روز بروز از خزانه یا بیت المال صدقات میپرداخت و هر یک از آنها یک جلد کتاب یکی جان را که در خصوص محاکمه نوشته بود همواره با خود داشتند و بر طبق آن حکم میکردند تا مدعی الیه حضور نداشت مدعی را حق سخن نبود و احدی را قدرت تخلف از حضور محکمه نبود بنده توانستی خداوند خویش را بمحکمه عدالت برد چون طرفین حاضر شدند پادشاه سخن هردو را شنیده در غیر از جرم و جسایت مرخص و نصیحت میکرد که اصلاح نمایند اگر ثمر نمیبخشید دو باره حاضر کرده بر طبق احکام شرع تحقیق کرده رای خود را نیز

ضمیمه نموده بچهل تن اعضای مجلس میداد تا حکمش را مطابق شرع بنویسند بعد از آن یک هفته مهلت میداد بعد از یک هفته حکم را مجری میکرد و احدی را قدرت سؤال و جواب یا توسط یا تدلیس نبود راهزنی را کشتی و دزد را دست بریدی و شراب خوار را حدزدی و برای قلیان و تنباکو نیز جریمه مقرر کردی

محتسین تمام حکم از روی کتاب قانون کردند -- مدرسه ها جهت آموختن علوم برپا کرده محصلین را روزانه قدر کفای مخارج میداد گمرک را موقوف کرد مگر برمال التجاره که از خارجه وارد میکردند -- امتیاز و انحصار را خصوص در تجارت غلط میدانست و با احدی انحصار نمیداد ، قشون را از بیت المال مواجب دادی ، خود نیز چون دیگران بلکه کمتر از بیت المال مواجب میگرفت گویند روزی چهار قران تخمینا برای خود مواجب برمیداشت و ازین چهار قران یکی را خرج کرده یکی بطباخ و یکی بخادم و یکی بمعلم خود میداد و این وظیفه مقداری بود که برای پستترین فقراء مقرر کرده بود -- عیال خود را روزی سه قران مخارج از بیت المال میداد و اسکر و قنی حرمش شکایت میکرد جواب میداد بی بکم راضی شو تا از تو راضی باشد خدا

همیشه در اطاعتی بی میل می نشست و برای احدی حاجب و دربان و منع نبود جامه کهنه می پوشید چنانکه اگر کسی اورا میدید گمان میکرد یکی از کدایان است

حلافانده این کارها چه بود ؟ بلاوه امنیت و عدالت و دعا گوئی و جان نثاری و رواج علم و صنعت و تجارت . . . یکی جان بواسطه همین اعمال پسندیده در مدتی اندک تمام بلادیکه بین رود جیحون و سیحون است تسخیر و تصرف کرد بلند آوازه و نیک نام شد شهر بزرگ مرور افنج کرده لشکر بخراسان کشید و مشهد را محاصره کرد لکن روز دیگر گفت امام رضارا در خواب دیدم که مرا حکم فرمود دست تغلب از شهر مشهد و توابع آن کوتاه کنم و لشکر مرا رجعت داد -- خودش همیشه در جلو سپاه بریابوئی سوار بود و در هیچ سفر لشگریانش بدون امر او حق تاخت و تاز و غارت نداشتند و اردویش فوق العاده منظم بود

سجح مهرش این عبارت بود (الفدره و الفرمان کانتا علی العدل من الله و الا فمن الشیطان) یعنی قدرت و عزت اگر مطابق قانون عدالت باشد از جانب خداست و الا از شیطان است . شرح حال این پادشاه عظیم الشان بسیار است و بهمین قدر اکتفاء میکنیم

باز روی سخن را باستان همیون پدر تاجدار خود کرده با کمال بندگی عرض میکنیم شهریارا ، شاهنشاهها با ملت چنان سلوک فرما که خاک مقدمت را کحل الجواهر

دیدگان سازند و جان شیرین در راحت نثار نمایند بنده و اربت خدمت کنند و نام نامیت را جز بقدیس و تجلیل نبرند این ملت همان قومی هستند که از سه هزار سال تا کنون کوس شاه یرسئی زده اند خدا نصیب نکند امروز را که خاق از این عادت برگردند و راه خلای پیش گیرند — پادشاهها ملکا ، برای پادشاه رعیت و ملت جان نثار لازم است نه چهار تن ، فقد کج خیال خیانت ییشه مناق ننگ بحرام ، بدست ملت ، طمیت توجه فرما و خیانت کاران را از خود دور ساز و خاطر مبارکت از جسات این بنده نا چیز خدا نخواسته رنجیده مباد که جز خیر ملت و دولت اسلام و اعلاء کلمه الهی و استحکام اساس مشروطیت غرضی ندارم و ترسم همه از آن روز است که ملت از مساعدت دولت مایوس شود که گفته اند

(اذا یش الانسان طال لسانه)

— (مسافرت بکره قمر) —

﴿ یا خیانت یا لکونیک ﴾

بر صد و حساب معلوم کرده اند که فاصله مابین زمین و کره ماه چهل و دو هزار فرسخ است پس اگر ما بخواهیم با قاطر های چار واداری و یاوه های مکاری از نقطه ایران که راههای مسافرتی و هموار نیست و بارکش روزانه بیش از چهار فرسخ طی کردن نمیتواند مسافرت بکره قمر بکنیم برای انجام این مسافرت یا ماموریت ده هزار و پانصد روز وقت لازم داریم و چون رسم مکاری است که در چند روز حرکت بکره قمر را تعطیل یا بقول خودشان (لنگ) میکنند تا مالهای بیچاره قدری جان گرفته از عهده بار کشیدن برآیند پس لامحاله چهار صد و پنجاه روز هم لنگ خواهیم داشت بنا بر آنکه خیلی سماجت در حرکت بکنیم و در بیست و دوسه روز یکروز بیشتر لنگ نداشته باشیم این مجموع میشود ده هزار و پانصد و پنجاه روز که سی سال تمام است

غرض از این مقدمه آنکه اولین پالکونیک مسلم قزاق روسی گویا از زمانیکه بایران وارد شده نقشه برای روانه ساختن یکدسته قزاق با صاحبمنصبان بکره قمر ترتیب داده و حضرات را روانه کرده است و تا کنون که بیست و هشت سال است هنوز مشغول حرکت هستند و بنا بر حایکه حالا عرض کردیم دوسال دیگر برای رسیدن آنها باقی است و سایر مملکتین روسی هم که تا کنون بایران آمده اند بدستور اولی وقتار کرده احکام اکیده در باب انجام این ماموریت

صادر کرده اند

حالا واقعا مقصودشان ازین ماموریت و مسافرت چه بوده و چه خیالی آنها را وادار بر این کار کرده است خدا میداند و از باطن بندگانش آگاهتر است ولی آنچه بقل بنده میرسد جزخیل خیانت چیز دیگر نیست خوانندگان محترم تعجب خواهند کرد که این چه حرفی است که تو در روز نامه مینویسی کی میتواند از فضای هوای محیط زمین (آتمسفر) خارج شود آنها با قاطر و یاوه های چار واداری هیچ بیجه چنین هوس خام نمیکند و اینطور حرکت سفیهانه را اقدام نینمایند آدم خاکی کجا و رفتن بستاره قمر کجا مطلب را توضیح کن بفهمیم مقصودت چیست و قلمت نظرت کجا است ؟

حال که ازین توضیح میخواهید عرض میکنم اداره قزاقخانه دو بودجه (کتابچه جمع و خرج) دارد یکی بودجه رسمی است که همسر محترم غیور مامدیر روزنامه عراق تمدن در نمره شانزدهم و هفدهم باشم از تقلبات آن مرقوم کتک معجز شیم نموده دیگری کتابچه مخارج فوق العاده در این کتابچه که فعلا در اداره موجود است حساب مخارج فوق العاده را در یک روز حساب نموده بعد از آنکه حساب یکروز معین شد او را در سیصد و شصت و پنج روز که شماره ایام سال است ضرب کرده و مبلغ کل را بر آورده کرده از دولت میگیرند

من جمله برای مخارج سفر بقاظ مختلفه مبلغی معین کرده اند که یومیه باید داده شود از قبیل اضافه خرج و کرایه مال از مکاری برای قزاق بیاده یا حمل اسباب قزاقان سواره و صاحب منصبان و چون این حساب روزانه در تمام ایام سال برآورد شده و اینک بیست و هشت سال است که این اداره دائر و همیشه مخارج این مسافرت منظور شده و از دولت علیه گرفته اند لابد باید این مسافرت یک قسم سفر طولانی مفصلی باشد که تعطیل نداشته و در تمام ایام سال مسافرت در حرکت باشند — اینککه ما حدس میزنیم که این مسافرت باید بکره قمر باشد و الا یک دائره که دور تا دور زمین کشیده شود هشت هزار فرسخ بیشتر نیست و برای طی آن با مال مکاری با کمال ثانی شش هفت سال وقت بیشتر لازم ندارد پس بی شبهه باید این مسافرت بستاره دیگر باشد و از محوطه زمین خارج بشود

حال اگر شما از اصل قضیه و خط این مسافرت بهتر سبق هستید خوب است ما را اطلاع بدهید تا از اشتباه بیرون یابیم و ضمنا هم دولت نظر توجهی باین اداره فرموده جلوائن قبیل خیانتها را بگیرند

﴿ قسم ﴾

بمفاد چند بن مکتوبیکه از قم متوالیاً به اداره رسید . معلوم می شود حکومت قم بالنسبه به اهالی بعضی اقدامات مستبدانه مینماید و یک سیاح بی سر و پائی را تقویت نموده به ارتکاب بعضی حرکات خلافی قاعده و میدارد از این قرار گویا هنوز نسیم عدل مجلس مقدس دانشورای ملی برایشان نوزیده تریاق حیات بخش مشروطیت اثر استبدادرا از کف وی زایل نکرده باری محض انعام حجت اقدامات حکمران را توضیح نکردیم هر گاه موقوف نگردند ناچاریم در نمرات آتی به تفصیل مشروح داریم

﴿ صورت تلگراف از کرمانشاه ﴾

بوسط جنابان وکلای محترم کرمانشاه حضور مبارک حضرت حجج الاسلام و اعضاء مجلس مقدس کبریای ملی شیده الله ارکانه ، عرض میداریم تلگراف او متوجه از دست مستبدین نظلم نمودیم بانکه از اولیاء دولت حکم به تبعید سه نفر از آنها صادر شد حکومت آنها را به سه فرسخی شهر فرستادنای اغتشاش را گذارده اند در این وقت که سوار سنجایی و سوار کردی شهر آمده بودم شنبه نوزدهم یکساعت بغروب مانده وثوق لعمالك! لشکر نویس اشتیائی بقوت سوار سنجایی و سوار کردی با حضور حاجی سید عبدالمظیم خلخالی و ظهیر المعالك گماشته وزیر ملیه حکم به قتل یک نفر کاسب داده و شش تیر خالی کرده يك نفر را مقتول کرده بایات اظهار شد قرار گذارد امروز رسیدگی و احقاق نماید آخوند های مستبدین و اعظم الدوله و کسان سه نفر تبعید شده نزد آیات میروند و ایسات را با خود همدست نموده در همان دیشب حکم بسوار سنجایی و سر باز کردی کرده امروز اول آفتاب که مردم سر کار و کس خود رفته يك دفعه از بالای بام و تلگراف خانه و میدان میان کویچه ها و بازار ها گلوله باران نموده ۱۵ نفر مقتول و جمعی را مجروح کرده و از درب میدان الی دروازه نجف آباد را از دکا کین کسبه و سر آنها و مغازه ها را غارت کرده

و کلای محترم میدانند که چند باب دکان و مغازه و چند اجناس اقمشه وجوه و نقد در آنهاجا بوده است والان هم گلوله مثل باران میبارد تا کی این اشتباه کاریها در ایران هست و اب تمدیات مفتوح است برای رضای خدا مگر ما رعیت ایران مسلمان نیستیم چرا ما بیچاره ها را اینقسم مبتلا میکنند خیانت ما این بود که امر دولت و ملت را اطاعت کرده در امر مجلس مقدس همراهی کرده ایم و استدعا نمودیم شر این چند نفر مسند و آخوندهای مستبد را از سر ما دفع فرمایند باید حکومت اینقسم بی اعتدالی بکند حال هم حکومت محرک شده آخوندهای مستبد را یتلگرافخانه فرستاده راه عرض و داد ما را مسدود کرده ناچار این عریضه را بستند فرستادیم که از آنهاجا ببارد

کنند عاجزانه و متظلمانه استدعا میکنیم محض خواطر امام زمان بفریاد ما بیچاره غارت شده ظلم دیده برسید و احقاق حقوق مقتولین و استرداد اموال منوبه را مقرر فرمائید اگر شما بمرایض چاکران رسیده کی نفرمائید یکی پناه ببریم یا نصد زن . بچه انداخته و مردم از خوف کوله پنهان کردند بهمین قلیل مهر کفنا کردیم عموم تجار و خزانین و اعیان و ملاکین و کسبه کرمانشاه حاجی سید محمد بزازی بخانی نصرالله بزازی آقاعلی محمد بزازی زین العابدین بزازی محمد علی تاجر آقا محمد اسمعیل بزازی آقا محمد حسین بزازی آقا سیدالله بزازی آقا محمد علی بزازی آقا برار قصاب قوام الرعایا آقا اسمعیل بزازی آقاعلی اصغر بزازی آقا اولقاسم بزازی

و قایع نکار ما از انزلی مینکارد

اوایل شهر ربیع الثانی جمعی از مردمان آشوب طلب و قطاع الطریق در چهار طرف بام کاروانسرای معین شیشه فقط میگذازند و هفت ساعت از شب رفته در حالتیکه عموم مردم در خوابند میروند فقط را آتش بزتنند همینکه یکطرف از بام اریه را کیریت زده و آتش به نقطه سرایت کرده شعله ور میشود دالان دار بیدار شده به پشت بام رفته بهر وسیله بود بمعاونت جمعی از ساکنین کاروانسرا آتش را خاموش میکنند ولی آتش زنده که خدا آتش بجانش بزند فرار کرده گرفتار نمیشود و تاکنون گمان بجائی نبرده اند مگر داروغه را خیال دارند در انجمن ملی استنطاق نمایند تا بعد چه شود . . .

جو خان کاروانسرای فیلسوف الدوله پلی را که صاحب ملک در میان آب مقابل حریم خود ساخته بود و این اوقات محتاج به تعمیر بود هنگامیکه خواستند تعمیر کنند معانعت شده گویا انجمن ملی عنوان نموده است در وسط آب اگر کسی بخواهد پل و یا بنائی بسازد حق ندارد زیرا آنجا ها مال دولت و ملت است باید عایدی آنجا بخزانه دولت و ملت که بیت المال مسلمین است رسیده و بمعارض مهمه شهر برسد

بواسطه گرانی برنج خوراکی رعایای گیلان و آذربایجان شکایت کرده اند که تاسه ماه برنج حمل بخارج نشود شاید قدری ارزان بشود و محسورین برنجها را از ابار در آورده بیبازار فروش بیآورند انجمن هم نظر بمصالح عامه اعلامی شایع نموده است تا یا زنده روز اشخاصیکه برنج خریداری نموده و حاضر دارند حمل بیادکوبه و خارجه کنند بعد قدغن است تا اینکه حاصل تازه در آید . . .

جهاز امیر البحر روسی دو روز است باین سر حد آمده لنگر اقامت انداخته است گویا برای گردش است که بهر بندر میرسد یکی دو روز توقف کرده بعد حرکت بجای دیگر میکند و دریای خزر را میبیماید . . .

حسن الحسینی الکاشانی